

عباس عبدی:

حباب یکدست شدن حاکمیت ترکید؛ دولت رئیسی سال ۱۴۰۲ را در رویا و خواب گذراند

خیال یکدستی مثل یک حباب کنار دریا ترکید. پس می‌توان سال ۱۴۰۳ را سال ضرورت بیداری از خواب گران و پذیرش تغییر دانست.

به گزارش سایت خبری پرسون، ۱۴۰۲، پایان یک رویا و خیال بود و ۱۴۰۳ فرصتی برای بیدار شدن و تغییر است. عباس عبدی با بیان این گزاره معتقد است: این خواب و رویا یک بار دیگر هم در دوره احمدی‌نژاد از سوی اصولگرایان دیده شد و نتایج آن را همه به چشم دیدند.

دولتی که در تابستان ۱۳۸۴ آمد و اصولگرایان را چنان به وجد آورد در ادامه مهم‌ترین بحران‌های کشور را رقم زد، در سال ۱۳۹۰ به خانه‌نشینی اعتراضی رییسش منجر شد و تقریباً اغلب اصولگرایان در بهار سال ۱۳۹۰ روزشماری می‌کردند که هر چه زودتر دوره آن دولت سرآید و از شرش راحت شوند. آرزوی خلاصی از کس و دولتی که در آغاز، رای دادن به او را ناشی از توصیه امام زمان(عج) می‌دانستند و از او استقبال فراوانی کردند، در پایان با الصاق مهر جریان انحرافی بر پیشانی او و طرفدارانش بدرقه‌اش کردند.

زدن همین مهر انحرافی موجب شد که اصولگرایان به غلط خیال خود را راحت کنند که اگر منحرف نشویم و یکدست بمانیم، حتماً می‌توانیم موفق شویم؛ پس درسی را که باید از آن دوره می‌گرفتند، نگرفتند. از این رو با آمدن روحانی اسب خود را زین کردند که در نوبت بعدی دوباره یکدستی و خالص‌سازی را به‌صورت جدی‌تر تجربه کنند که از ۱۳۹۸ آغاز کردند و به خیال خود فرآیند خالص‌سازی را در ۱۴۰۰ به پایان رساندند.

چرا خیال؟ چون تصور نمی‌کردند که خالص‌سازی توقف‌ناپذیر است و این را در انتخابات اسفند ۱۴۰۲ به خوبی دیدند که هنوز گروه‌هایی از خودشان هستند که باید همچنان مشمول پاکسازی و خالص‌سازی شوند. در هر حال ۱۴۰۰ جریان یکدست‌سازی کامل و همزمان وعده‌های رنگارنگ به مردم داده شد. قطعا در دادن این وعده‌ها دروغ نمی‌گفتند. یعنی این‌گونه نبود که بدانند انجام این وعده‌ها شدنی نیست و آگاهانه برای فریب دادن مردم چنین وعده‌هایی می‌دهند.

آنان اصلاً درکی از ضرورت‌های این وعده‌ها و توان خودشان نداشتند. به صورت ساده‌انگارانه‌ای گمان می‌کردند که پیشینیان یا نمی‌خواستند مسائل را حل کنند یا نمی‌توانستند و راه‌حل مسائل خیلی ساده است و ما چون یکدست شویم فوری آنها را حل می‌کنیم. ماجرای واکسن که زمینه واردات آن پیش‌تر آماده شده بود، به آنان کمک کرد که در پاییز ۱۴۰۰ موفقیتی ناخواسته و در ابتدای دولت به نام‌شان ثبت شود. کسانی که اصولاً میانه‌ای با واکسن هم نداشتند!! ولی گذشت زمان نشان داد وعده‌های اصلی آنان نه تنها محقق نمی‌شد که از وضعیت موجود هم دورتر می‌شدند.

هنگامی که مردم اعتراض می‌کردند که آن وعده‌ها چه شد؟ گفتند: صبر کنید. بادنجان هم هفت ماه طول می‌کشد تا کاشته و به بار برسد. البته خدا پدرشان را بیامرزد که به پسته استناد نکردند که حدود ۷ سال لازم است تا به بار برسد. ۷ ماه که سهل است ۲۰ ماه تا سال ۱۴۰۱ هم گذشت و خبری از تحقق وعده‌ها نشد که نشد.

فشار به زندگی مردم و روند کاهشی نمودارهای رفاهی در گزارش‌های رسمی ثبت شده است. پس سال ۱۴۰۲ آخرین سال این خواب شیرین یکدستی بود که نه تنها هیچ تحول مثبتی را شاهد نبودیم، بلکه انتخابات اسفند ماه نیز نشان داد که مردم ناامیدند و اصولاً آمیدی به تحقق هیچ وعده‌ای باوجود سیاست‌های اصولگرایانه ندارند و این نتیجه‌ای بدیهی نه فقط برای مردم، بلکه برای عموم نخبگان و حتی بسیاری از دولتی‌هاست. برای دولت فرصتی جهت ادامه سیاست‌های سه سال اخیر باقی نمانده است. به طور قطع سال آینده هم به دلایلی که روشن است جرات اتخاذ تصمیمات مهم ندارند. هم به علت انتخابات آمریکا و هم به دلیل وارد شدن به انتخابات سال ۱۴۰۴ و هم وضعیت فشار اجتماعی و بی‌اعتمادی که اکنون نزد مردم وجود دارد.

روشن است که این رویا فاقد واقعیت بود. خیال یکدستی مثل یک حباب کنار دریا ترکید. پس می‌توان سال ۱۴۰۳ را سال ضرورت بیداری از خواب گران و پذیرش تغییر دانست. کلیت سیاست‌های جاری باید در سه عرصه داخلی، اقتصادی و بین‌المللی تغییراتی جدی را به اجرا بگذارد. مقدم بر هر چیز در حوزه داخلی است. البته نیروهای داخلی نیز باید همراهی کرده و مطالبات خود را با واقعیات و نیز خیر عمومی سازگار کنند. به نظرم سال ۱۴۰۳ شاید یکی از آخرین فرصت‌ها برای بیدار شدن و بازگرداندن امور جامعه به ریل وحدت و پیشرفت است.